

## نگاهی به تاریخ نقد متن

دکتر المخان کوچروف

دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان

متن‌شناسی با وجود آنکه در سال‌های نزدیک چون رشته مستقل علم ادبیات‌شناسی شناخته شده است، تاریخ قدیم دارد. نقد متن نسبت به دیگر بخش‌های ادبیات‌شناسی مقدم‌تر است و این امر از طبیعت و وظایف آن که با خط، متن و شکل واقعی تفکر ارتباط دارد، سر زده است. اثر بدیعی که محصول زحمت پرمشقت و بردبارانه‌ای است. چنان‌که سنائی غزنوی اظهار نموده:

هرزه ناورده‌ام من این تصنیف      جان و دل کرده‌ام در آن تألیف

ریسمان کرده‌ام تن و جان را      تا به سوزن بکنده‌ام کان را

این محصول رنج‌های ادیب که بر اثر جهان‌بینی و ذوق و مهارت نگارنده ایجادکننده‌اش چون گنج بی‌بهای فرهنگ ظهور می‌کند، در اثر دخالت نامناسب کاتبان و ناسخان تحریف و تصحیف شده، بعضاً به حدی می‌رسد که با واردات بیرونی مخلوط و از اصل خود فرسخ‌ها دور می‌شود. به قول دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، «مخصوصاً الحق اشعار دیگران به کتب نظم و نثر تداول داشته است و نسخه‌نویسان و قرائت‌کنندگان کتب هر جا شعری از کسی به خاطرشان می‌گذشته است، آن را در حاشیه یا بین سطور یا حتی در متن کتاب الحاق می‌کرده‌اند»<sup>۱</sup>.

این وضع نامناسب ادیبان و سخنوران را به تشویش می‌آورد و مؤبدان و دبیران روشن‌ضمیر که از هنر ویراستاری متن آگهی کامل داشتند، در اساس قیاس‌نسخ و برقراری متون صحیح آثار نیاکان سهم می‌گرفتند. و این کوشش‌ها در تاریخ متن‌شناسی تاجیک چون اولین پدیده‌های نقد متن دارای ارزش‌های علمی می‌باشند. ادبیات‌شناس «اعلی‌خان افصح‌زاد» آغاز متن‌شناسی فارسی را به تحریر و تنظیم قسمت‌های «اوستا» وابسته می‌داند: «ثبت قسمت‌های گات‌های اوستا که قریب ۳۰۰۰ سال پیش، یعنی در قرن ۹ پیش از میلاد صورت گرفته بود، ابتدای این علم در تاریخ ایرانی نژادان بود».<sup>۲</sup> در حقیقت دانشمندان و دبیران قدیم متن‌های نسبتاً پره «اوستا»، «کارنامه دارا»، «یادگار زریران»، «درخت اسوریک»، «ارژنگ»، «مانی» برین یادگارهای ادبی و اخلاقی و فلسفی اجداد فارسی‌زبانان را برقرار و بررسی نموده، با همین به قسمت عملی متن‌شناسی فارس و تاجیک اساس گذاشتند.

کارشناسان و دبیران عهد ساسانی از تجربه نسخه‌برداری اجدادان و اصول ویراستاری یونان‌زمین بهره برداشته، گاه طبع آثار به دستخط‌ها و نسخه‌های به متن مؤلف نزدیک، اعتبار بزرگ می‌دادند. متون روبردارشونده به اصل قیاس و در ضرورت با کمال احتیاط اصلاح می‌گردیدند.

از این جهت تاریخ نگارش کتاب پهلوی «خداینامه» («خوتای-نامک») که به آخر سلطنت ساسانیان، دوره شاهنشاهی یزدگرد سوم (۶۵۱-۶۳۲ میلادی) راست می‌آید، مثال خوبی است. مصنفان دهقان دانشور، مؤبد اردوخان فرّوخان و خادم دربار رامین در اساس گردآوری، تطبیق متون و تحریر نقل و روایت زیاد کتابی با نام «خداینامه» فراهم آوردند که واقعه‌های آن «از دوران نخستین پادشاهان جهان آغاز می‌شد و تا پایان شاهنشاهی خسرو پرویز ادامه می‌یافت».<sup>۳</sup> این است که کتاب، بعدها معروفیت زیاد کسب نمود و در دوره خلافت، چندین مرتبه به زبان عربی ترجمه شد که بهترین آنها ترجمه المقفع (وفات- ۷۵۷ میلادی) می‌باشد. ولی چون در زمان استیلای اسکندر و در عهد پیروزی عربها نیز کتاب‌ها و مرکزهای زیاد فرهنگی نابود گردید، طبیعی است که دستاوردهای نقد متن آثار پهلوی نیز از بین رفت.



انکشاف بعدی نقد متن، به وسعت فعالیت تألیف، ترجمه و تفسیر کتاب‌ها در عهد سامانیان وابسته است. در «سوانح الحکمت»، «سرپل بازار» نام کتابخانه‌های مشهور بخارا، کتاب‌های نادر و نوشتجات معتبر زیادی به زبان‌های پهلوی، فارسی، عربی و لاتینی نگهداری می‌شد. چندین مرکز نگهداری کتاب در بلخ، طوس، مرو، هرات، سمرقند و خجند نیز فعالیت می‌کردند که امکان فعالیت ناسیخی و ویراستاری متفکران را فراهم آوردند. بنابراین مؤبدان و دبیران عهد سامانی فعالیت متفکران قبلی تا دوره اسلامی را کامل‌تر کرده و ادامه داده، در تصحیح متون ادبی و علمی کوشش‌های بسیار نموده‌اند. از این جهت فعالیت ناسخی ابوعلی محمد بلعمی در جریان ترجمه فارسی «تاریخ طبری» که با سفارش امیر ابوصالح منصور ابن‌نوح (۹۷۶-۹۶۱) به وقوع پیوسته بود، جالب دقت است. ابوعلی بلعمی که موافق شهادت پرویز ناتل خانلری، خود صاحب کتابخانه‌ای عظیم بوده، و به‌عنوان شخص باصلاحیت دولتی سرچشمه‌های باعتبار زیادی را اختیار داشته است، هنگام ترجمه به متن عربی «تاریخ‌الرسول و الملوک» امام طبری، مناسبت جدی تنقیدی می‌کند. تفصیلات نابه‌هنگام، تکرار بی‌ایست و بی‌باعث و نقل و روایات، بی‌اعتباری به اختلاف منابع، مناسبت غیرایجادگی به نقل ناقلان، مترجم را وادار می‌نماید که با استفاده از اصول تلخیص به تصحیح و اختصار فراوان اصل متن دست بزنند. به قول م. عیسی متاف، «بلعمی متن «تاریخ‌الرسول و الملوک» را در شکل‌های گوناگون که طبری به حین نقل رویدادهای یک سال عیناً یک خبر را (بی‌تحقیق) در پنج تا شش روایات و قصه با اختلاف راویان منبع‌ها می‌آورد، با اشکالش قیاس نموده (به تحقیق) یکی از این روایات را که از دید خویش و سایر مورخان صحیح‌تر و به حقیقت نزدیک‌تر به نظر می‌رسید، می‌پذیرد».<sup>۴</sup> اختصارات این اثر ۱۳ جلدی به درجه‌ای کاری و قطبی بود که تلخیص یکجایه به افزوده‌های بلعمی یک کتاب ۴۵۴ صفحه را تشکیل داد و آن موافق طبقه‌بندی و مسئله‌گزاری متجر و مصنف به چهار باب و ۴۳۷ فصل جدا کرده باشد.

در تدقیق متن‌شناسی محض، افزوده‌های کوچک و بزرگ بلعمی که مقداراً به ۱۷۵ می‌رسد، قیمت بیشتر کسب می‌کنند، زیرا توسط واردات، تصحیح تقریر و تعیینات مؤلف برین مسائل نقد متن به میان گذاشته می‌شود. این افزوده‌ها از جمله قصه‌های ملوک عجم در عهد سلیمان، بهرام

چوبین، ملوک عرب در عهد قباد، بهرام گور، یزدگرد شهریار در خراسان، پاره‌های شعری ... به سرچشمه و معلومات‌نامه‌های معتمد تکیه داشته نه تنها باعث اصلاح بعضی اشتباه‌های امام طبری گردیده، که این چنین در برقرار نمودن متن‌های از بین رفته آثار خطی نیاکان نیز سهم گرفته‌اند. بلعمی قرین‌های پر و صحیح پارچه‌های شعری متن عربی «تاریخ طبری» را برقرار نموده، بعضاً درباره تاریخ ایجاد آنها معلومات دقیق می‌دهد. از جمله از تاریخچه قصیده ۲۴ مصرعی چنین یادآور شده است: «و شاعری، نام وی عمیه ابن‌الصلت از بن ثقیف او را (پادشاه سیف را- کوچراف) مدحی گفته است، ما آن را تمام بگوییم».<sup>۵</sup>

فعالیت متن‌شناسی بلعمی را تاریخ ایجاد بیت:

جزائی، جزا الله شرّ جزائه جزائی سنمار و ما کان زار نبی

باز هم خوبتر آشکار می‌سازد. مترجم برخلاف نسخه اصل برابر برقرار نمودن متن پره این قصیده از ۱۰ بین عبارت تاریخ ایجاد آن را نیز خیلی مفصل تدقیق می‌نماید، به درجه‌ای که خواننده درباره مؤلف و سبب تألیف در بین قوم عرب و پخش گردیدن آن آگهی کامل پیدا می‌کند.<sup>۶</sup>

همین طریق تلخیص و تصحیح متن که تمام لحظه‌های سازمانی، معنوی و لفظی و اسلوبی اثر را فرا گرفته است، جدا کردن کتاب به باب‌ها و فصل‌های مندرجه آن و در نهایت افزوده‌های بسیار مفصل، و مختصر مسئله دیگر نقد متن - تعیینات مؤلف را به میان می‌گذارد. تقریباً همه مؤلفانی که به تدقیق متن فارسی «تاریخ طبری» پرداخته‌اند، از جمله ا. برتلس، ملک‌الشعرا بهار، ا. شهابی، آ. ا. اسمیرناوا، ب. غفوراف، ل. د. بایمتاف، م. عیسیمتاف برآند که ابوعلی بلعمی در نگارش این اثر بیشتر مؤلف است و کمتر مترجم.<sup>۷</sup> به اسم این متفکر نامگذاری شدن متن فارسی «تاریخ طبری» و حتی کتاب را چون «طبری فارسی» و «تاریخ بلعمی» نام بردن عالمان، گواه بر آن است که ابوعلی بلعمی، نزد همه، چون مؤلف شناخته شده است.

در این عهد نه تنها در مراکز بانفوذ حکومتی، هم‌چنین در دربار حاکمان ناحیه و ولایات نیز تصنیف و تنظیم آثار، به حکم عنعنه درآمده بود. از جمله با سفارش حاکم طوس ابومنصور محمد ابن عبدالرازق (۹۶۳-۹۵۱)، مؤبدان و دانشمندان با راهبری ابومنصور معموری، جمع‌آوری،



آموزش، ترجمه و تطبیق متون قصه و روایات متن صحیح و کامل «شاهنامه» را به طبع رساندند که بعدها اساس «شاهنامه»‌های دقیقی و فردوسی گردید.

مقدمه «شاهنامه» ابومنصوری نیز بعضی لحظه‌های روند نقد متن و اصول ویراستاری عهد سامانیان را روشن می‌سازد. اول اینکه در این عهد تصنیف و تنظیم نامه‌ها بر ذمه مؤبدان کار دیده و از نقد متن آگهی کامل داشته، گذاشته می‌شد. و ابومنصور معموری برای تدوین «شاهنامه»، ماه پیر خراسان، یزدان‌داد پسر شاپور، ماهوی خورشید و شادان پسر برزین را از شهرهای مختلف انتخاب نمود. طبیعی است که گاه در نسخه‌برداری به کار تصحیح متن اعتبار کامل داده می‌شد و متن اساسی به چندین متن معتمد جدا می‌شد و به تطبیق و مأخذها در داخل متن اشاره می‌گردید: «و اندر نامه پسر مقفع (ترجمه عربی «خداینامه» - کوچراف) و همزه اصفهانی و مانندگان ایدون شنیدیم که از گاه آدم ... تا بدین گاه ... پنج هزار و هفتصد سال است ... و همچنین از محمد جحیم برمکی مرا خبر آمد و از زادوی بن شاهوی و از نامه بهرام اصفهانی، همچنین از راه ساسانیان موسی بن عیسی خسروی و از هشامی قاسم اصفهانی و از «نامه پادشاهان پارس» از «گنجینه مأمون» و از بهرامشاه مردانشاه کرمانی و از فرخان مؤبدان مؤبد یزدگرد شهریار و از رامین ... آگهی همچنین آمد».<sup>۸</sup>

عموماً ارزش علمی و معرفیت «تاریخ بلعمی» و «شاهنامه» ابومنصوری، پیش از همه در آن است که متون آنها در سطح بلند تهیه‌گری و ویراستاری دور آماده گردیده‌اند. در قرون بعدی توجه جامعه به آثار نیاکان و میراث ادبی و علمی خلق‌های عرب، یونان، هند و غیره افزایش یافت که این حالت بازار ناسخان ایرانی‌نژاد را باز هم گرمتر نمود. به قول عالم کتابشناس صفر سلیمانی: «نه فقط در حدود امروزه ایران و آسیای میانه، بلکه این‌چنین در برخی از قسمت‌های افغانستان و پاکستان، ناحیه‌های همسرحد قفقاز، آسیای صغیر، هندوستان و ترکستان چین کتاب‌ها از آخر قرن ۹ تا حدود ابتدای قرن ۱۶ به زبان ادبی رسمی تاجیکی نوشته می‌شدند».<sup>۹</sup> از جمله، بنگاه عظیم کتابسازی هرات که در قرن ۱۵ از طرف شاهزاده بایسنقر (۱۴۳۳-۱۳۹۷) تأسیس یافته، زیاده از چهل نفر فاضلان و متخصصان را گرد آورده بود، در کار تدوین و تصنیف و طبع و نشر متن‌های صحیح و کامل آثار فردوسی، انوری، ظهیر فاریابی،

نظامی، سعدی، امیرخسرو دهلوی، جلال‌الدین بلخی، حافظ، کمال خجندی و دیگران موقع بسا پرافتخاری را اشغال می‌کنند.

فعالیت کتابداری بناگاه بایسنقر، از جمله محنت زرگرانه تهیه‌گران چاپخانه که با راهنمایی کتابشناس نامی - کمال‌الدین جعفر تبریزی عمل می‌کرد، هنوز دقت ادبیات‌شناسان و متخصصان قرون ۱۶-۱۵ را جداً به خود جلب نموده بود. دولت‌شاه سمرقندی در «تذکره‌الشعرا»، خواندمیر در «حبیب‌السیر»، سام میرزای صفوی در «تحفه سامی» به محنت کتابداری و تهیه‌گری بناگاه بایسنقر بهای بلند داده‌اند. دولت‌شاه می‌نویسد: «بای‌سون غورخان سعی و جهد بسیاری نمود در جمع آوردن سخنان امیرخسرو، و همانا یکصد و بیست هزار بیت جمع نموده و بعد از آن دو هزار بیت از غزلیات خسرو جای یافته که در دیوان او نبوده».<sup>۱۰</sup> تهیه‌گران بناگاه مذکور هنگام تصنیف و تنظیم متن از تطبیق نسخه‌های مختلف، به دیگر نسخه‌ها، ترجیح دادن نسخه قدیمی اثر و تعیین مؤلف متن ادبی (اترپوتسیه)، که اکنون از رکن‌های اساسی متن‌شناسی دانسته می‌شوند، با موفقیت استفاده کرده‌اند.

بعدها به سبب شدت گرفتن واقعه‌های سیاسی و کم اعتبار گردیدن حیاط فرهنگی مرکزهای پرقوت ادبی، کار استنساخ آثار نیاکان یک اندازه سست گردید. با وجود این، قسمت‌های علمی نقد متن بیش از پیش انکشاف می‌یافت. تهیه‌گران به متن نه چون منشی عادی، بلکه چون محقق ورزیده مناسبت می‌کردند. از این جهت متون رباعیات عمر خیام با نام «طربخانه»، دیوان خاقانی شیروانی و «خمسه» نظامی که در قرون ۱۷-۱۵ مسیحی از طرف یاراحمد ابن حسین رشیدی تبریزی و دوست محمد درخچی تهیه گردیده‌اند، جالب دقت است. مرتبان چندین نسخه را تطبیق نموده، در حاشیه‌های متون تهیه شده گوناگون‌خوانی‌های سطرها، ابیات و پارچه‌های شعری از متون پیشین افتاده را قید می‌کردند. ماهیت فعالیت متن‌شناسی یاراحمد ابن حسین در آن است که او تاریخ متن رباعیاتی را که تا نیمه قرن ۱۵ به حکیم خیام نسبت می‌دادند، آموخته، آنها را از روی موضوع، درج کرده و موارد مشکوک را در فصل‌ها جدا کرده است و تحت عنوان «طربخانه» کتابت نمود.



ادبیات‌شناس معاصر ایران جلال‌الدین همایی با در نظر داشتن تجربه متن‌شناسی یاراحمد ابن‌حسین رشیدی تبریزی، راجع به رباعیات اصیل و دخیل و مشکوک عمر خیام چند خلاصه معتمد برآورده است: «رباعی‌های مندرج در «طریخانه» به روی هم سه صنف می‌شوند: یک قسمت جزو ۵۳ یا ۶۶ رباعی است که در مأخذ قدیم قبل از سنه ۸۰۰ هجری ... و امثال و غالب اهل تحقیق آنها را گفته‌های مسلم خیام شمرده‌اند، صنف دوم آن دسته از رباعیاتی است که گویندان اصلی آنها را شناخته‌ایم یا از متن خود رباعی لفظاً و معنأ پیداست که جزو آثار اصیل حکیم خیام نیست و صنف سوم رباعیات مشکوک است که بی‌مشابهت به رباعیات اصیل است. دلیل معتبری هم برای صحت انتصاب آن به حکیم خیام نداریم.»<sup>۱۱</sup> همین طریق متفکران عصر میانه در پیدایش و تشکل راه و روش اصول‌های علمی تدقیق و تهیه متن خدمت به‌سزایی کرده‌اند. اما هنوز تجربه تهیه‌گری آنها جداً آموخته و از لحاظ علمی جمع بسته نشده است.

منبع دیگر با اعتماد متن‌شناسی معاصر شرح‌های عصر میانه محسوب می‌شود. برای شرح عمیق و دقیق و بی‌غرضانه و حقیقی مفهوم‌های ادبی لازم است که شارح با متن صحیح، کامل و از خرابکاری‌ها دور و ایمن سر و کار داشته باشد. این حالت او را وادار می‌کند که اول در اساس نقد نسخه‌های گوناگون بنیاد اعتبارناکی و اصالت متن تفسیرشونده را برقرار نماید. این است که شارحان عصر میانه چون عبداللطیف بن عبدالله عباسی (در شرح «مثنوی معنوی» و «حدایق الحقایق»، محمد اکرم ملتانی (در شرح «گلستان»)، محمد غیاث‌الدین (در «بهار باران»)، عبدالحسین فراحانی (در شرح «بوستان») و سراج‌الدین علی‌خان آرزو (در «خیابان») راه‌های مختلف تهیه متن را استفاده کرده در تشکیل تنقید متن آثار کلاسیک عصر میانه سهم به‌سزایی گذاشتند. بنابراین محسوب نکردن تاریخ تشکیل و ماهیت شرح‌نویسی باعث ناقص شدن اساس نظری و اصول علمی متن‌شناسی معاصر می‌گردد. «یکی از سبب‌های تا امروز عمیق معین نشدن اساس‌های میتادالاجی و پرنسپ‌های نقد متن به اعتبار نگرفتن تجربه شارحان آثار ادبی است، - قید کرده است پروفیسور ا. نصرالدین‌اف - اکثر نتیجه و خلاصه‌های نوکک حاصل کرده ما را شارحان چندین عصر مقدم بی‌پرده پژوهشات خویش را در همین زمینه پیش می‌برند.»<sup>۱۲</sup> اولاً تهیه‌گران و شارحان عصر میانه زمان کتابت را معیار معتمد و معتبر نسخه‌ها می‌دانستند. آنها هنگام

تهیه نسخه قدیمه و به دوره زندگی مؤلف هرچه نزدیکتر را چون اساس قبول کرده، دیگر نسخ را با آن تطبیق می نمودند. از روی این اصول قابل اعتمادترین متن از روی دستخط مؤلف روبردار شده تنظیم می یافت و انتقاد متن هم از روی آن صورت می گرفت. عبداللطیف عباسی از روی همین اصول الحاقی بودن ۲۰۰۰ بیت «مثنوی معنوی» را معین و بیت های زیاد را با حرف «ز» نشان داده است. شارحان «گلستان» از این راه تصرف کاتبان در بعضی قسمت های اثر را معین نموده اند. از جمله، علی خان آرزو مصرع های:

ور نبود مرکب رهوار رام      پای تواند که رود چند گام

را دخیل پنداشته است؛ زیرا بیت مذکور در یکی از قدیمی ترین نسخه های «گلستان» نیامده است. استفاده از این اصول نقد متن که در متن شناسی کنونی ادبیات شرق، اصول کاریکسیه نام گرفته است، مخصوصاً در ادبیات کلاسیک فارسی و تاجیکی خیلی پرثمر است، زیرا متن شناس را وادار می نماید که به جای سر و کار داشتن گاه، به ده ها و حتی صدها نسخه اثر، به چند نسخه قدیم تر و بهتر تکیه کرده، به نتیجه های دلخواه نایل شود. در حقیقت، برای به وجود آوردن متن های علمی «شاهنامه» (در دنیا قریب ۱۰۰۰ نسخه «شاهنامه» وجود دارد)، دیوان حافظ (قریب ۴۸۰ نسخه)، خمسه نظامی (قریب ۲۴۰ نسخه)، «بوستان» و «گلستان» سعدی (قریب ۱۶۰ و ۳۴۰ نسخه) کاریکسیه اصول موافق تنقید متن است که زمینه آن را شارحان عصر میانه گذاشته بودند. بعداً شارحان به تمام نسخه ها نظر تنقیدی دوخته، به تاریخ و شرایط به وجود آمدن نسخه ها، زبان اسلوب و منطق بیان، شرایط اجتماعی و امیال سیاسی کاتبان اعتبار کامل دادند؛ این شیوه نقد متن را که با اصول تاریخی و منطقی متن شناسی معاصر مطابقت دارند، ا. نصرالدین اف شرطاً اصول قضاوت منطقی نامیده است. شیوه قضاوت منطقی به متن ارتباط کامل دارد و محاکمه های آن تنها در رابطه با متن اعتبار قانونی پیدا می کند. برعکس در نسخه هایی که در آنها تصرفات راه پیدا کرده، اصالت متن کاهش می یابد. از این جهت توجه شارحان به بیت زیرین شیخ سعدی جالب توجه است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند      که در آفرینش ز یک گوهرند





شارحان «گلستان» برآند که کلمه آخر مصراع اول- «یکدیگرند»- ناقص است و معنی مطلوب را درست افاده نمی‌کند. از جمله مولانا هادی علی ضمن شرح پارچه بالا می‌نویسد: «همه مردم چون یک بدن هستند و هر واحد به منزله عضوی، سببش اینکه در آفرینش از یک گوهر، یعنی آدم (ع) بودند: چنانچه اعضا از یک جسم».<sup>۱۳</sup>

این معنی را دیگر عالمان نیز تصدیق داشته، تکلیف دارند که به جای «یکدیگر» باید «یک پیکر» باشد و آن وقت همه در جای خود قرار می‌گیرد: بنی آدم اعضای یک پیکرند.

باید گفت که مضمون مصراع بالا تکیه به حدیث حضرت محمد (ص) دارد که فرموده است: «انما المؤمنون كجسد رجل الواحد» (در حقیقت مؤمنان چون جسد یک آدمند). اینجا کلمه جسد به پیکر موافقت کامل دارد. با این همه شارحان تصحیح مصراع بالا را ضروری نشموده‌اند، زیرا در هیچ نسخه‌ای با کلمه «پیکر» روبه‌رو نشده‌اند. پس شیوه تاریخی و قیاسی انتقاد متن نیز هنوز در فعالیت متن‌شناسی متفکران عصر میانه (قرون وسطی) جا داشته است. از همین طریق نسخه‌شناسان، تهیه‌گران و شارحان قرون وسطی اساس دقیق متون را تأمین نموده، به هر طریق مانع خودسری‌ها و تصرفات به متن می‌شود و زمینه مناسب را برای انکشاف متن‌شناسی معاصر را فراهم می‌آورد.

باید گفت که فعالیت نسخه‌شناسی، تهیه‌گری و شرح‌نویسی نیاکان ما از یک بخش کار عملی منتظم به قسمت مخصوص علم ادبیات‌شناسی انکشاف یافتن متن‌شناسی را به‌طور کامل آشکار می‌سازد. در تألیفات آذر عبدالغنی خالصه قاری‌زاده عالم برجسته قرن ۱۹، این جریان به درجه معین تکامل رسیده است. استعداد کامل، مهارت بلند، زبان‌دانی و معلومات برجسته فیلولوژی به این دانشمند امکان دادند که تعدادی از شرط و اصول‌های علمی برقرار نمودن متن انتقادی را معین نماید: اولاً، محقق پیش از تطبیق متون، تاریخ کتابت آنها را پیدا می‌کند و با این راه درجه معتمدی، تعیین صحت و اصالت و به کدام مؤلف متعلق بودن نسخه‌ها را معین می‌کند. بعداً مصنف به ضمیمه- قسمت علمی تحقیقی متن توجه جدی می‌کند و در این قسمت فعالیت متن‌شناسی عالم به کمال عمیقی ظاهر می‌گردد.

عبدالغنی خالصه قاری زاده از مسائل مهم متن شناسی مثل ورسیه [version]، اتززه و شروحات در تجربه تهیه‌گری خود با موفقیت استفاده کرده است. این دانشمند همچنین موقع و ترکیب دستخطها را با اصطلاحات نسخه اول، نسخه معتمد، نسخه صحیح، نسخه حسنه، نسخه طاهره، نسخه بسیط، نسخه غیر معتمد، و گوناگون خوانی‌ها و سهو خطاها، با حروف و علامت مخصوص اشاره کرده است که این برای متن شناسی امروز چون منبع بااعتماد آموزشی، قیمت دارد.

فعالیت تحقیقی نامبردگان گواه بر آن است که نقد متن در ادبیات شناسی قرون وسطی خاور نزدیک به کامیابی‌های نظرس علمی و تحقیقی نایل گردیده بوده است. بعضاً متن شناسان اولین پدیده‌های علمی نقد متن را در ادبیات خاور نزدیک به فعالیت تهیه‌گران اروپا نسبت می‌دهند: «کوشش‌های نسبتاً جدی به منظور تصحیح متون ادبی خاور نزدیک فقط از نیمه دوم قرن نوزدهم در اروپا آغاز گردید. انتشارات آثار ادبی شرق از طرف محققان اروپایی به کار بردن شیوه علمی را در تدوین متون پایه‌گذاری کرد».<sup>۱۴</sup>

به نظر ما چنین عقیده از آن سر زده است که تا به حال تاریخ نقد متون ادبیات خاور نزدیک به طور ضروری آموخته نشده است. بنابراین متن شناسی معاصر تقاضا دارد که در برابر ک. لختمن، ا. دبرافسکی، ا. شخمتاف محققان متن شناس روسیه و اروپا، فعالیت متن شناسی متفکران قرون وسطی فارس و تاجیک نیز آموخته شده، برد و باخت آنها در این بخش علم به طور دقیق نشان داده شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. زرین کوب، عبدالحسین، «روش علمی و نقد و تصحیح متون ادبی»، آینه میراث، سال اول، شماره ۱، ۱۳۷۷.
۲. افصح‌زاد، اعلی‌خان، پیوند قرن‌ها، دوشنبه، انتشارات ادیب، ۱۹۸۹، ص ۱۱.
۳. متاف، م. عیسی، تاریخ طبری ابوعلی بلعمی (پژوهش اندر مناسبت‌های ساسانیان و هیتالیان)، دوشنبه، انتشارات سینا، ۱۹۹۸، ص ۳۲.
۴. متاف، همان، ص ۲۱.
۵. بلعمی، ابوعلی محمد ابن محمد، تاریخ طبری، دوشنبه، ۱۹۹۲، ص ۵۶۰-۵۵۹.
۶. همان، ص ۴۹۱-۴۹۰.



۷. متاف، همان، ص ۲۱.
۸. المعمری، «شاهنامه ابومنصوری»، *دردانه‌های نثر*، (عصرهای ۱۳-۱۰)، دوشنبه، عرفان، ۱۹۸۷، ص ۲۶-۲۵.
۹. سلیمان، ص.، *توجه به آثار نیاگان*، تاجیکستان شوروی، ۱ دسامبر، ۱۹۸۹.
۱۰. سمرقندی، دولت‌شاه، *تذکره الشعرا*، (تحقیق و تصحیح محمد عباس)، تهران، ۱۳۳۷، ص ۲۶۷.
۱۱. همایی، جلال‌الدین، *مقدمه طریخانه*، رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری (تألیف یاراحمد بن حسین رشیدی تبریزی)، چاپ تابان، ۱۸۶۷، ص ۴۰.
۱۲. نصرالدین‌اف، معرفت و شرح ادبیات، دوشنبه، عرفان، ۱۹۹۱، ص ۱۰۶.
۱۳. علی، هادی، *شرح گلستان*، بامبی، ۱۳۲۰، ص ۳۵.
۱۴. علی‌یف، متن‌شناسی، پیام نوین، دوره هفتم، تیرماه ۱۳۴۶، شماره ۶، ص ۲۰.